

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱۳۷۸ / ۲ / ۲۰

دانشگاه شهید بهشتی

مرکز فرهنگ و هنر  
تعمیرات

دانشگاه شهید بهشتی

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

پایان نامه تحصیلی در مقطع کارشناسی ارشد  
رشته زبان و ادبیات فارسی

موضوع:

تحلیل تطبیقی خسرو و شیرین نظامی گنجوی گل و نوروز  
خواجهی کرمانی

استاد راهنما:

دکتر سید علی محمد سجادی

استاد مشاور:

دکتر کامل احمد نژاد

نویسنده:

جعفر میرزایی

سال ورود:

مهرماه ۱۳۷۴

1265/2

۲۴۴،۹

## سرآغاز

### سپاس اوراست

خدای سبحان را سپاسگزارم که توفیق تحقیق و تفرّج در گلزار  
ادب فارسی را به بنده دانشجو ارزانی فرمود.

به پاس این میمنت و احسان،

از استاد بزرگوارم جناب دکترسید علی محمد سجادی، که انجام  
این رساله و روشنی چشم خویش به جمال شاهدان شیرین شمایل  
نظم و نثر فارسی را مدیون راهنمایی‌های عالمانه ایشانم، سپاسگزارم.  
همچنین از استاد گرامی جناب دکتر کامل احمدنژاد که  
بزرگوارانه مشاوره بنده را پذیرفتند و مرا یاری رساندند ممنون و  
سپاسگزارم.

بهر روزی و نیک انجامی تمام استادان ارجمند دانشکده ادبیات و  
علوم انسانی دانشگاه شهیدبهبشتی، که خوشه‌چین خرمن فضل و  
بزرگی ایشان بوده‌ام، از خدای بزرگ خواهانم.

رنج و عشق بی‌پایان پدر و مادر عزیزم در راه تحصیل  
و ادب‌آموزی بنده را صمیمانه ارج می‌نهم.

از مهر و محبت تمامی خواهران و برادران بزرگوارم، بویژه خواهر  
فرهیخته‌ام راضیه میرزایی که در بازنویسی و بازخوانی این رساله مرا  
یاری رساندند، بسیار سپاسگزارم.

## فهرست مطالب

| صفحه | عنوان   |
|------|---|
| ۱    | مقدمه   |
| ۱    | شرح حال مختصر نظامی گنجوی                                   |
| ۳    | خلاصه داستان خسرو و شیرین                                   |
| ۳    | آغاز داستان   |
| ۱۰   | شرح حال مختصر خواجه کرمانی                                  |
| ۱۲   | گل و نوروز  |
| ۱۵   | «خلاصه داستان گل و نوروز»                                   |
| ۱۵   | آغاز داستان   |
| ۳۳   | «شناخت پروردگار»  |
| ۳۴   | تحلیل دیدگاههای نظامی و خواجه در دو استان در شناخت پروردگار |
| ۳۹   | «دعا و نیایش»   |
| ۴۴   | «تأثیر آیات و احادیث در دو داستان»                          |
| ۴۵   | «آیات»  |
| ۵۰   | «احادیث»  |
| ۵۰   | «آیات و احادیث متفاوت در دو داستان»                         |
| ۵۱   | «خسرو و شیرین»  |
| ۵۱   | «بخش آیات»  |
| ۵۲   | «احادیث و اخبار خسرو و شیرین»                               |
| ۵۳   | «گل و نوروز»  |
| ۵۳   | «آیات»  |

|  |    |
|--|----|
| «احادیث».....  | ۵۴ |
| «عشق».....   | ۵۵ |
| «دیدگاههای دو شاعر در مورد عشق».....                       | ۵۶ |
| ۱- «تضاد عشق و عقل».....                                   | ۵۶ |
| ۲- «ازلی بودن عشق و قضا و قدر».....                        | ۵۷ |
| ۳- «برتری عشق بر جان و وجود».....                          | ۵۷ |
| ۴- «وجود بی عشق فسرده است».....                            | ۵۸ |
| ۵- «فنا و اتحاد عاشق و معشوق».....                         | ۵۸ |
| ۶- «عشق و پادشاهی».....                                    | ۵۹ |
| ۷- «عشق و غرور».....                                       | ۶۰ |
| ۸- «عشق و صبر».....  | ۶۰ |
| ۹- «عشق و آفرینش».....                                     | ۶۱ |
| ۱۰- «طریق عشق».....  | ۶۲ |
| «جریان عاشقانه دو داستان».....                             | ۶۳ |
| «صورخیال».....   | ۶۷ |
| «تحلیل کلی صورخیال در دو داستان».....                      | ۶۷ |
| «تشبیه».....   | ۶۹ |
| «حسی و عقلی بودن دو سوی تشبیه».....                        | ۶۹ |
| «تشبیه به اعتبار حذف و ذکر ادات».....                      | ۷۱ |
| «تقسیم تشبیه به اعتبار مفرد و مرکب بودن دو سوی تشبیه»..... | ۷۱ |
| «نکاتی دیگر در مورد تشبیهات دو داستان».....                | ۷۳ |

|  |     |
|--|-----|
| انواع تشبیه به اعتبار طرفین                              | ۷۵  |
| «ملفوف»  | ۷۵  |
| «مفروق»  | ۷۶  |
| «تسویه»  | ۷۷  |
| «وجه شبه»  | ۷۷  |
| «وجه شبه واحد و متعدد»                                   | ۷۸  |
| «موارد تشبیه در دو داستان»                               | ۷۹  |
| «اعضای بدن در حوزه تشبیهات دو داستان»                    | ۸۱  |
| استعاره  | ۹۲  |
| تحلیل استعاره در دو داستان                               | ۹۲  |
| استعاره مصرّحه   | ۹۷  |
| «استعاره مکنیه»  | ۹۸  |
| «مواد استعاره در دو داستان»                              | ۹۸  |
| «اعضای بدن در حوزه استعاره‌های دو داستان»                | ۱۰۰ |
| عناصری که استعاره از اعضای بدن و متعلقات آن واقع شده‌اند | ۱۰۱ |
| ۱- پیچ و تاب و درازی گیسو:                               | ۱۰۵ |
| ۲- «سیاهی و درازی گیسو»:                                 | ۱۰۵ |
| «وصف»  | ۱۰۹ |
| «تناسب در وصف»   | ۱۱۰ |
| «وصفهای دو داستان»                                       | ۱۱۱ |
| «وصف اشخاص»  | ۱۱۱ |

عنوان

صفحه

|     |                               |
|-----|-------------------------------|
| ۱۱۳ | «وصف شیرین»                   |
| ۱۱۴ | «وصف گل»                      |
| ۱۱۶ | «وصف مکان»                    |
| ۱۱۸ | «وصف مجالس»                   |
| ۱۱۹ | «وصف شب، صبح و طلوع خورشید»   |
| ۱۲۱ | «شب»                          |
| ۱۲۱ | «صبح و طلوع خورشید»           |
| ۱۲۳ | «نجوم»                        |
| ۱۲۴ | «هفت اختر»                    |
| ۱۲۵ | «منازل قمر»                   |
| ۱۲۶ | «احکام و منسوبات نجومی قمر»   |
| ۱۲۷ | «عطارد»                       |
| ۱۲۷ | ۱- «منازل عطارد در دو داستان» |
| ۱۲۸ | ۲- منسوبات عطارد:             |
| ۱۲۹ | «زهرة»                        |
| ۱۲۹ | «زهرة و موسیقی»               |
| ۱۳۱ | «منازل زهرة»                  |
| ۱۳۱ | ثور (گاو):                    |
| ۱۳۲ | «شمس (خورشید)»                |
| ۱۳۳ | «مریخ»                        |
| ۱۳۳ | «منسوبات مریخ»                |

## عنوان

## صفحه

|     |                                   |
|-----|-----------------------------------|
| ۱۳۴ | «مشتري»                           |
| ۱۳۵ | «منسوبات مشتري»                   |
| ۱۳۶ | کيوان «زحل»                       |
| ۱۳۶ | «منازل زحل»                       |
| ۱۳۶ | «منسوبات کيوان»                   |
| ۱۳۹ | «طالع و اختيار وقت»               |
| ۱۴۱ | «طالع و اختيار وقت در خسرووشيرين» |
| ۱۴۷ | «طالع و اختيار وقت در گل و نوروز» |
| ۱۵۲ | «سخن»                             |
| ۱۵۶ | «دنيا»                            |
| ۱۵۶ | تحليل دنيا در دو داستان           |
| ۱۵۷ | «صفات جهان در دو داستان»          |
| ۱۵۷ | ۱- نيرنگ جهان                     |
| ۱۵۸ | ۲- جهان ناپايدارست                |
| ۱۵۸ | ۳- جهان جای قرار نيست             |
| ۱۵۹ | ۴- بخشش جهان                      |
| ۱۶۰ | ۵- بد عهدي جهان                   |
| ۱۶۰ | ۶- نوش جهان با نيش آميخته است     |
| ۱۶۱ | ۷- اعراض از دنيا                  |
| ۱۶۳ | «مدح»                             |
| ۱۶۴ | «بررسي مدح در دو داستان»          |

|     |   |
|-----|---|
| ۱۶۴ | «اغراق و مبالغه در مدح»                               |
| ۱۶۵ | «زمین بوسی»   |
| ۱۶۵ | «بخشش و زرافشانی ممدوح»                               |
| ۱۶۸ | «زن»  |
| ۱۶۸ | تحلیل زن براساس شخصیت زنان دو داستان                  |
| ۱۷۰ | بررسی شخصیت زن در اشعار نظامی و خواجه                 |
| ۱۷۲ | جنبه مثبت زن  |
| ۱۷۴ | «آداب و رسوم و اعتقادات»                              |
| ۱۷۴ | تحلیل آداب و رسوم در دو داستان                        |
| ۱۷۵ | «آداب و رسوم و اعتقادات مشترک در دو داستان»           |
| ۱۷۵ | آداب و رسوم سوگواری                                   |
| ۱۷۶ | دیگر آداب و رسوم                                      |
| ۱۷۷ | «آداب و رسوم و اعتقادات متفاوت در دو داستان»          |
| ۱۷۸ | «گل و نوروز»  |
| ۱۷۹ | «سوگند»   |
| ۱۷۹ | تحلیل سوگند در دو داستان                              |
| ۱۸۱ | «موارد و شواهد سوگند در دو داستان»                    |
| ۱۸۴ | تلمیحات «اشارت اساطیری، دینی، داستانی، تاریخی و ادبی» |
| ۱۸۵ | «آدم(ع)»  |
| ۱۸۵ | ۱- «گناه آدم، گندم»                                   |
| ۱۸۵ | ۲- آدم (ع) و پیامبر(ص)                                |

|  |     |
|--|-----|
| «آدم و بهشت»   | ۱۸۶ |
| «ابراهیم(ع)»   | ۱۸۶ |
| «ابراهیم و پیامبر(ص)»                                      | ۱۸۶ |
| «ابراهیم و بت پرستی»                                       | ۱۸۷ |
| «ایوب(ع)»  | ۱۸۸ |
| «حضرت ایوب(ع) و ابتلای او»                                 | ۱۸۸ |
| «خضر(ع)»   | ۱۸۹ |
| ۱- «خضر و آب حیات، آب حیوان، آب زندگانی، آب خضر، زلال خضر» | ۱۹۰ |
| ۲- «آب حیات ... در سیاهی است»                              | ۱۹۱ |
| ۳- «خضر و عمر جاوید، زنده جاوید»                           | ۱۹۱ |
| ۴- «خضر و اسکندر، ذوالقرنین»                               | ۱۹۲ |
| ۵- «خضر و صحرا»  | ۱۹۲ |
| ۶- «خضر و پیر و مرشد»                                      | ۱۹۳ |
| «داود(ع)»  | ۱۹۳ |
| «داود(ع) و زیور»   | ۱۹۳ |
| «حضرت سلیمان(ع)»   | ۱۹۴ |
| «آمیختگی سلیمان و جمشید»                                   | ۱۹۸ |
| «انعکاس خلط جمشید و سلیمان در داستان گل و نوروز»           | ۲۰۰ |
| «زبان مرغان»   | ۲۰۲ |
| «مور»  | ۲۰۲ |
| «تخت»، «دیو و پری» «ملک»                                   | ۲۰۲ |

عنوان

صفحه

|  |     |
|--|-----|
| «عیسی (ع)»                             | ۲۰۳ |
| «چراغ، قندیل ترسا، کیش عیسی»           | ۲۰۵ |
| «تفاوت‌های دو داستان در مورد عیسی (ع)» | ۲۰۵ |
| گل و نوروز                             | ۲۰۷ |
| «کحل عیسی، باروی مریم»                 | ۲۰۷ |
| «مهد عیسی، محراب مریم»                 | ۲۰۷ |
| «اشک مریم»                             | ۲۰۷ |
| «حضرت محمد (ص)»                        | ۲۰۷ |
| ۱- تحلیل معراج پیامبر (ص) در دو داستان | ۲۱۰ |
| ۲- شق القمر کردن پیامبر (ص)            | ۲۱۰ |
| ۳- احمد نام دیگر پیامبر (ص)            | ۲۱۱ |
| گل و نوروز                             | ۲۱۲ |
| «موسی (ع)»                             | ۲۱۲ |
| تفاوت‌های دو داستان                    | ۲۱۳ |
| «حضرت یوسف (ع)»                        | ۲۱۴ |
| «تفاوت‌ها»                             | ۲۱۶ |
| «تلمیحات تاریخی اشخاص»                 | ۲۱۷ |
| «اسکندر»                               | ۲۱۷ |
| «جمشید»                                | ۲۱۹ |
| «جمشید و ضحاک»                         | ۲۲۳ |
| «سیاوش»                                | ۲۲۴ |

عنوان

صفحه

|     |  |
|-----|--|
| ۲۲۵ | ..... «قارون»  |
| ۲۲۵ | ..... «لیلی و مجنون»                                 |
| ۲۲۷ | ..... «ویس و رامین»                                  |
| ۲۲۹ | ..... کنایات، ترکیبات و استعاره‌های همانند دو داستان |
| ۲۴۷ | ..... «کتابنامه»                                     |

## مقدمه

گر خطا گفتیم اصلاحش تو کن مصلحی تو ای تو سلطان سخن

کیمیا داری که تبدیلتش کنی گر چه جوی خون بود نیلتش کنی

(مثنوی مولوی دفتر دوم ادبیات ۶۹۱، ۶۹۰)

داستانسرایبی منظوم با نظامی گنجوی به اوج رسید و شیوه جدیدی که او در داستان پردازی بویژه داستانهای منظوم عاشقانه بوجود آورد، سبب تحولی عظیم در داستانسرایبی فارسی گردید.

داستانسرایبی بعد از نظامی تا حدی متأثر و یا دنباله کار نظامی است و شاعران بسیاری بعد از نظامی، گوی نظیره پردازی در برابر پنج گنج وی به میدان افکندند. نظیره پردازانی چون امیر خسرو دهلوی، خواجوی کرمانی، جامی، وحشی بافتی، طالب آملی و میرزا محمد صادق نامی. این نظیره پردازان اگر چه متأثر از شیوه داستانسرایبی نظامی اند، اما خود نیز دارای نکات و ابتکارات بدیع بسیاریند.

گل و نوروز خواجوی کرمانی، در میان نظیره های خسرو و شیرین، نظیره ای موفقی و خواجه نیز در شیرین کلامی شاگرد شایسته نظامی است.

گذشته از شیوه داستانسرایبی و شخصیت پردازی گل و نوروز، بسیاری از کنایات، ترکیبات، موضوعات، اشارات اساطیری، تاریخی و آیات و احادیث این داستان برگرفته و متأثر از خسرو و شیرین نظامی است و از آنجا که وزن اشعار دو داستان نیز یکی است، موسیقی اصوات و حروف نیز بسیار همانند است.

خواجه در گل و نوروز حدود هفتاد و هفت بیت یا مصرع را از خسرو و شیرین اقتباس کرده است.

اقتباس و استتبالهای گل و نوروز از خسرو و شیرین را به چهار دسته می توان تقسیم

کرد.

دسته اول: ابیات و مصرعهایی که کاملاً همانند می باشند.

خ ش : محمد کافرینش هست خاکش هزاران آفرین بر جان پاکش ۲۰/۱۲۹

گ ن : هزاران آفرین بر جان پاکش که خاکش بر سر آنکونیست خاکش ۸/۱۲

دسته دوم: ابیات و مصرعهایی که یک واژه آنها متفاوت است.

خ ش : اتابیک ایلدگز شاه جهانگیر که زد بر هفت کشور چار تکبیر ۱۸/۱۳۵

گ ن : کشیده طبع را در چار زنجیر زده بر هفت کشور چار تکبیر ۱۸/۱۲

دسته سوم: ابیات و مصرعهایی که مضمون آنها مشترک، اما واژگان آنها متفاوت

است.

خ ش : بدین تخت روان با جام جمشید به سلطانی برآمد نام خورشید ۵/۱۳۱

گ ن : بدین تخت روان با عسجدی جام به خاقانی برآمد شمس را نام ۱۶/۱۵

دسته چهارم: ابیات و مصرعهایی که مضمون آنها مشترک است.

خ ش : زعدلش باز با تیهو شده خویش به یک جا آب خورده گرگ با میش ۶/۲۱۹

گ ن : زعدلش گرگ با میش آب می خورد مگس در چشم شاهین خواب می کرد ۱۰/۲۵۹

اندیشه و دیدگاههای نظامی و خواجو در شناخت حق برخاسته از صدق عقیدت و نتیجه یقین و تجربه درونی آنهاست و این اندیشه ها و عقاید را چنین می توان خلاصه کرد:

شناخت حق در توان آدمی نیست و از آنجا که بین صانع و مصنوع سنخیتی وجود ندارد، مخلوق از شناخت خالق ناتوان است. خداوندی حق تعالی با کس مشترک نیست، پس باید به وجود حق شهادت داد، زیرا بجز اول، کسی حال اول را نمی داند. بنابراین باید از چون و چرا نیز دست برداشت. عقل تهی پای از شناخت خدای متعال تهی دست است، زیرا خود آفریده اوست. خدای در مکان نیست و از مکان بی نیازست. اما:

جهان بی او نه و او در جهان نه مکان او را او را خود مکان نه (گ ن ۱۳/۴)

صفات حق مانند ندارد. حق بی خویش و پیوند و بی مثل و مانند است. آفرینش گواه وجود و آیینۀ ذات حق است. اول بی ابتدا و آخر بی انتها اوست.

دعا و نیایش های نظامی و خواجو، حکیمانه و از دید دانشمندی الهی است و در دعا و نیایش های این دو آگاهی های بسیاری در زمینه خدانشناسی و جهان بینی وجود دارد که خود دفترهای تعلیم توحید و هستی شناسی اند.

تأثیر آیات و احادیث در هر دو داستان چشمگیر است و نظامی و خواجو نیز چون دیگر شعرای یگانه پرست از در این دریای معرفت بهره ای وافر برده اند.

اگر چه دو داستان مورد نظر دارای بستر و سیری عاشقانه اند، اما بهره بسیار سرایندگان این دو اثر ارزشمند از علوم و معارف اسلامی و همچنین آمیختگی جان دو شاعر با کلام الهی و احادیث نبوی، سبب شده است که آیات و احادیث در جای جای دو داستان بازتابی درخور بیابد و این تأثیر هم از جنبه معنوی است و هم از جنبه لفظی.

کیمیای هستی، عشق، جوهره اصلی دو داستان است.

نظامی و خواجو در ادامه سنت های پیشین معتقدند: